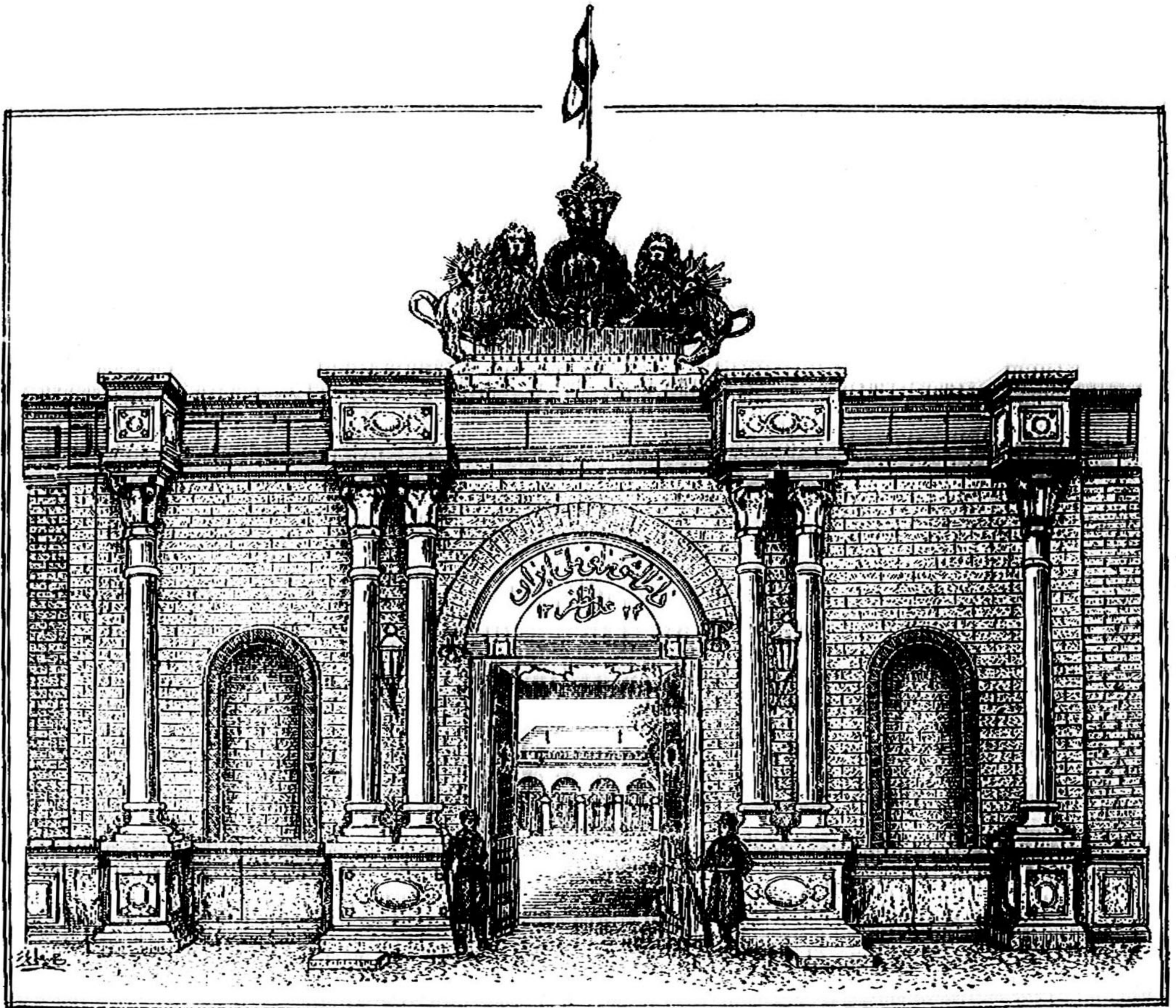


<p>جلسه ۹۷</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره شصت و سوم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق اول ذیقعده الحرام ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالبانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

شماره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	تسلیم عهدنامه مودت و قرارداد تجارتنی بین ایران و لهستان از طرف معاون وزارت امور خارجه	۱۲۶۶	
۲	مذاکره و شور در اطراف مواد پنجم و هشتم خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به تاسیس بانک	۱۲۶۶	۱۲۸۷



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس سه شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق اول ذیقعده الحرام ۱۳۴۵

جلسه ۹۷

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: میرزا حسینخان موقر - نظام مافی - سید
ابراهیم ضیاء - میرزا حسینخان دادگر - عطاءالله خان
پالیزی - عباس میرزا - نوبخت - بهبهانی - میرزا محمد تقی

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر ریاست آقای پیریا
تشکیل گردید)
(صورت مجلس یکشنبه دهم اردیبهشت را آقای
بفی سلیمان قرائت نمودند)

بهار - والی زاده - جوانشیر

عائین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: علیخان اعظمی - محمد آخوند - حاج حسن

آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

دیر آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: عراقی - شیروانی - میرزا عبدالله خان وثوق محمود رضا.

دیر آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: مرتضی قلیخان بیات - حاج میرزا حبیبالله

امین - میرزا ابراهیمخان قوام - دکتر صدق - جهانشاهی

میرزا حسنخان وثوق

رئیس - آقای حیدری

حیدری - راجع به اخوند محمد در جلسه گذشته هم

عرض کردم ایشان اجازه مرخصی خواسته با اینحال

ایشان را غائب بی اجازه نوشته اند.

رئیس - تلگراف ایشان را فرستاده ام به کمیسیون

مرخصی بعد از آنکه راپرت کمیسیون آمد به مجلس و

تصویب شد تمام غیبت هائی که نوشته شده با اجازه محسوپ

خواهد شد ولی موقوف است. به تصویب مجلس. صورت

مجلس دیگر اعتراضی ندارد؟

(گفته شد خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

معاون وزارت امور خارجه - عهد نامه مودت و

قرارداد تجارتي بين ايران و لهستان را که بر روی اصول

تساوی حقوق منعقد شده است تقدیم میدارم .

رئیس - باید مراجعه شود به کمیسیون خارجه و

کمیسیون تجارت . خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع به

بانک مطرح است . موادی که مطرح خواهد شد مواد

پنج و هشت و نازده و دوازده و سیزده . ماده پنج و

هشت از خبر کمیسیون بیستم اسفند و مواد نازده

و سیزده از خبر بیست و پنجم اسفند . ماده پنج

میتوانم عرض کنم و بعضی هایش را نمیتوانم مقتضی و

صلاح میدانم عرض کنم ثابت میکنم که بهتر این است

پول داده شود در مقابل اموال غیر منقول که عبارت

از ملك باشد و معادل دو نك یا نصف یا کمتر قیمت

آن پول داده شود . بنده موافقم . بعد میگوید : و باامضای

شخصی و با اشخاصیکه اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد . بنده

نمیدانم یعنی آن اموال منقول و غیر منقول را بگیرند و

علاوه بر آن امضاء از اشخاص معتبر هم بگیرند ؟ یا خیر

هیچ چیز در مقابل نداشته باشد و همینکه نزد بانک

معتبر باشد سند بدهد و هر چه میخواهد بگیرد ؟ اگر

اینطور باشد بنده مخالفم و استدعا میکنم از نمایندگان

محترم که زیر این بار نروند . بد است . و بالاخره در حکم

تفریط پول است که به وسائل مختلفه جمع آوری شده

است . مؤسسات معتبره . دلم میخواهد بفهمم یعنی چه ؟

سؤسسات معتبره یعنی نجارانها ؟ یعنی کپانیها ؟ مراد

از مؤسسات معتبره این است ؟ خوب است توضیح

شود که مراد از مؤسسات چیست ؟ در حالتیکه بنده با

همین هم مخالفم . ما هنوز کارمان به آنجا نرسیده که به

سؤسسات یا اشخاص پول قرض بدهیم بدون اینکه چیزی

بعنوان رهن یا وثیقه گرفته باشیم . عرض کردم انشاءالله

تعالی آن روز خواهد رسید . البته هر وقت در این

ملکیت قانون قویاً حکم فرما شد و مردم به قوانین آشنا شدند

و برای مردم صحت عمل يك عادت ناآوی شد البته آنوقت اشکال

ندارد . ولی الان مراجعه بفرمائید به عملیات بانک شاهنشاهی

و ببینید چطور و به چه وسیله خودش را اداره کرده

بانگ شاهنشاهی که تازه وارد شده بود پولهای بی مردم

قرض میداد . ملك هم رهن میگرفت . به مؤسسات

معتبره هم پول قرض میداد . اما همان باعث شد که

تومانش برگشت دوریال شد . بعد که به این عیب برخورد

جلوش را گرفت و جبران کرد حالا نمیدانم از نومانی

نجاوز کرده باشد یا نه . بنده اطلاع کامل دارم و بواسطه

کتاب خواندن حرف نمیزنم - بنده در عمل دیده ام

غرض این است عرایض بنده و امیدوارم آقایان نمایندگان

محترم به آن حقایقی که در قلب بنده است و زبانم

نمیتوانسته اداء کنند مستحضر شده باشند و مساعدت

بفرمایند .

رئیس - آقای زوار

زوار - یکی از شرائط وکالت داشتن سواد فارسی

است که هرکس که وکیل شد باید سواد فارسی داشته

باشد . اگر نماینده محترم معتبر و منقول را نتوانند معنی

کنند بچئی برایشان نیست و بنده برای رفع اشکال ایشان

ترجمه میکنم معتبر از اعتبار است (خنده نمایندگان)

کسیکه اعتبار داشته باشد به ایشان میگویند این آدم آدم

معتبری است

کازرونی - نمیدانم

(خنده نمایندگان)

زوار - منقول هم چیزی را از جائی بجائی نقل میکنند

این منقول است و غیر منقول اراضی است که بجائی نقل

نمیشود . جواهر و عبا و کلاه اینها منقول است

کازرونی - به بخشید قربان نمیدانم .

زوار - و خدا نیارد که نماینده محترم محتاج شوند

به غیر منقول . اینکه فرمودند اعتبارشان نزد بانک مسلم

باشد یعنی چه ؟ یعنی بانک به او اعتماد داشته باشد و او

را معتبر بداند

کازرونی - خوب شد فرمودید . (خنده نمایندگان)

زوار - مخالفت نماینده محترم يك چیز های ساده بود

و خیلی هم خوشوقتم که بنده رفع اشکال از ایشان بکنم . کسی

که پیش بانک اعتبار داشته باشد و بانک او را معتبر بداند بخرد او

پول میدهد و به امضاء او هم به کس دیگر که این

شخص ضمانتش را کرده پول میدهد . این اختصاص به

بانک جدید ایران نخواهد داشت و در تمام بانکهای دنیا

معمول است مقصود از دادن پول به اشخاص معتبر این است

که بانک متقاعد شود که این شخص معتبر است و از همین جهت

نوشته شده است که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و بانک او

را معتبر بداند. فرمودند مؤسسات معتبره یعنی چه؟ فرضاً بنده امروز يك قالی بافخانه مهم با دواخانه دارم پولهم لازم دارم قالی بافخانه با دواخانه را پیش بانك وثیقه میگذارم و اطمینان میدهم و از او پول میگیرم این را هم اسمش را میگذارند مؤسسات معتبره و در حقیقت فرمایشات آقای کازرونی را بنده سؤال میدانم نه مخالفت و خدلی هم نشکر میکنم که نماینده محترم راجع به بانك يك مخالفتی نکرده فقط يك سؤال فرمودند که بنده جواب عرض کردم.

رئیس -- آقای شیروانی

شیروانی -- بنده عرضی ندارم.

رئیس -- آقای بامداد

بامداد -- سابق در موقعیکه این لایحه مطرح بود بنده يك قسمتهائی را یاد داشت کردم که عرض کنم بنده با این سطر (غیر منقول با امضای شخص یا اشخاص معتبر یا مؤسسات معتبره) مخالفم. ما يك مؤسسه میخواهیم ایجاد کنیم که حیاتی است باید کاملاً دقت و سخت گیری کنیم بعد از آنکه اطمینان پیدا کردیم از جریان و بقای او آنوقت البته همانطوریکه دنیا معاملات بانگی دارند ما هم باید داشته باشیم. امروز مسلم است معاملات بانگهای دنیا بطور امناء و اعتبار است فقط يك امضای معتبر برای آنها کافی است که بقدر اعتباری که نزد بانك محرز است پول باوقرض بدهد ولی در مملکت ما اعتبارات محرز نیست یعنی احراز رسمی نشده. يك تاجر با يك مؤسسه معروف است که این آقا میلیوز است هر وقت بخارج برات میکند صد هزار یوند صد هزار لیره است و همینطور نسبت بخیلی ها میشنویم ولی روی این استماع و شایعات اگر بانك بخواد معامله کند گرفتار همان بدبختی هائی خواهد شد که تاجرانها هم ما شدند. امتحان و تجربه هم کردیم. در اموال منقول بنده عرضی ندارم زیرا مقوم بانك با کمال دقت تقویم میکند و بانك شرایطی اگر در موقع رسیدن ممکن است حراج کنند و پولشانرا بردارند

ولی در اموال غیر منقول نتیجه اش همان میشود که الان داریم از دست آن فرار میکنیم بفروختن خالصجات بکعبه املاکشانرا میآورند پیش بانك کرو میگذارند و در سر موعده پول نمیدهند بانك هم لاءالعلاج باید عرضحال بدهد بعدلیه وبعد از زافع تصرف کند و نازه دولت صاحب خالصه میشود. ملاك میشود. و با اینکه بدون مراجعه به عدلیه ناچار میشود ملك را تصرف کند و صاحب خالصه و ملك میشود. در صورتیکه داریم از ملاك بودن دولت و صاحب خالصه بودنش فرار میکنیم و لایحه فروش خالصجات را بمجلس می آوریم. اینکه نوشته شده مؤسسات معتبره البته کسیکه صاحب يك كارخانه بزرگ با يك تجارتخانه معتبر است میتواند با امضاء خودش از بانك قرض کند ولی باز مسئله اعتبار در میان است و تحت رسمیت در نیامده. تثبیت دارائی در مملکت ما اجباری نیست. دولت نظارت و ضمانت نکرده. فقط يك شایعانی است و اگر ما بخواهیم با امضاء و اعتبار اشخاص پول قرض بدهیم بانك گرفتار میشود. يك شخصی میآید و میخواهد پنجاه هزار تومان قرض کند اگر بانك استنکاف کند به اعتبار و شرف او برمیخورد و شروع میکند وزیر را دیدن. رئیس الوزراء را دیدن که بانك باعتبار من لطمه زده من میخواستم می هزار تومان قرض کنم بانك نداد. بانك هم مال خودمان است. تحت تأثیر واقع میشود و نتایج خوبی در آینده نخواهد داشت. بنده با این قسم معاملات بانك يك دفعه دیگر هم عرض کرده ام حالا هم عرض میکنم مخالفم و بهترین نمونه که به ما این تجربه را ثابت می کند معاملات بانك استقراضی روس بود که بهمین طرز معاملات شروع کرد و در نتیجه خیلی خسارت برد و يك مشت املاك در دستش ماند آنها هم مرافعه دار. هیچ فایده هم از آنها نمی برد و ما اگر بخواهیم این قیود را ملاحظه کنیم گرفتار همان تجربه تلخی میشویم که آن مؤسسه شد.

خبیر -- چون مذاکرات مابین قسمتهای اول این لایحه و این مواد خیلی طول کشیده است گمان میکنم يك قسمت از مذاکرات سابق از خاطر آقایان فراموش شده باشد. ماده اول این لایحه این بود که برای يك به تجارت و زراعت و صناعت يك بانگی موسوم به بانك ملی ایران تأسیس میشود. برای يك به تجارت و زراعت و صناعت از چه راهی باید داخل شد؟ يك قسمت آن چیزهائی است که لایحه علیحده در کمیسیون فوائد عامه تهیه کرده اند و از آن راه میشود ولی يك قسمت يك هائی است که مستقیماً با صاحبان كارخانه با ملاکین و ارباب صنایع بشود یعنی دولت يك نقدي به آنها بکند برای اینکه بتوانند کارهای خودشانرا ترتیب بدهند یا کمکي به عمل فلاحت بکنند. بانك يك تجارتخانه ایست که حقاً میبایستی با امضاء پول بدهد و این را باید عرض کنم: اینکه نوشته شده است (با امضاء) با امضاء نیست (با امضاء) است (بوسیله اموال معتبره اعم از منقول و یا غیر منقول و یا امضاء اشخاص) نه این است که هم امضاء اشخاص معتبر باشد و هم بوسیله اموال منقول و غیر منقول، البته اگر امروز دولت بخواهد يك کند با يك اشخاصی باید اطمینان پیدا کند که این وجه از بین نخواهد رفت. وسیله تأمین وجه چیست؟ یکی داشتن وثیقه است اعم از منقول و غیر منقول و یکی هم اطمینان و اعتبار اشخاص است و اساساً معاملات بانك بایستی با اعتبار اشخاص باشد اما اطمینان پیدا کردن به اینکه این شخص معتبر است یا نیست و آیا وثایق او قابل اطمینان است یا نه این مربوط به مذاکره ما نیست مربوط به عمل بانك است. بالاخره آن مسؤل بانك و آنهاست که مسؤل اجرای این قانون هستند آنها باید بدانند به چه ترتیب اطمینان حاصل کنند در پیشرفت عمل استقراض و اگر ما بخواهیم تمام این جزئیات را اینجا پیش بینی کنیم باید يك کتاب مفصلی تهیه کنیم اگر

بگوئیم غیر از اموال منقول یا غیر منقول را قبول نکنند پس به چه ترتیب میتوانیم بنام اشخاص مك كنیم بعلاوه ما يك پیش بینی کرده ایم که تمام سرمایه بانك آزاد نباشد. حد اعلاي وجهی که میتواند قرض بدهد باید يك ثلث سرمایه موجودی بانك باشد. اگر آقایان دقت بفرمایند تمام این صحبت ها بطور مفصل در اینجا شده و بنده خواستم تذکر بدهم اگر در چند ماه قبل که این لایحه مطرح بود دقت کرده بودیم و اینرا گذرانده بودیم مك فوق العاده بوضع تجارتی و وضعیت فعلی بازار کرده بودیم و تصدیق بفرمائید تمام این مذاکراتی جز تأخیر افتادن این لایحه و لطمه خوردن باوضاع تجارتی چیز دیگری نیست. وضعیت فعلی ما بواسطه نبودن پول است در جریان و البته اگر ما سعی کنیم که این بانك زودتر تأسیس شود و دولت و ما هم نظارت کنیم و در ضمن عمل اگر به معایب برخوردیم رفع کنیم البته بهتر است.

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- رأی گرفته میشود به ماده پنجم ...

آقای سید یعقوب -- بنده پیشنهادی تقدیم کرده ام.

رئیس -- به ماده شش رأی گرفته شده است.

آقا سید یعقوب -- بنده اینجا حذف ماده را عقیده داشتم

رئیس -- باین عبارت نمی شود رأی گرفت.

آقا سید یعقوب -- حذفش را پیشنهاد میکنم.

رئیس -- پیشنهاد بفرمائید.

(پیشنهاد ایشان تقدیم و بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده پنجم حذف شود.

رئیس -- بفرمائید. راجع به حذف.

آقای سید یعقوب -- بنده توجه میدهم نظر آقایان را به این نظری که پیدا کرده ام و آن این است که ما بانك استقراضی تشکیل نمیدهیم. ماده اول این لایحه

آن نظر انتفاعی ما در آن نامین شده است . بنده هیچ نظر ندارم که این ماده در اینجا نوشته شود . نظامنامه بانک را وزارت مالیه یا بانک مجبور است تهیه کند و آن ملاحظه را که ما در ماده اول کرده بودیم برای ترقی فلاح و زراعت و تجارت و صناعت همان ماده آن نظر را نامین میکند . تصدیق میفرمائید که ما بانک استقراضی درست نمیکنیم که يك ماده مستقلی در اینجا ذکر کنیم و بگوئیم ضامن معتبر . و همان فرمایشات آقای بامداد و دیگران که اظهار کردند کاملاً صحیح است زیرا بانک گرفتار میشود در يك جریانی که هیچ نمیتواند کارش را پیش ببرد . اگر ما این ماده را بکلی در این قانون ذکر نکنیم همان ماده اول یا نظامنامه که نوشته میشود برای اجرا کفایت میکند و این پیشنهاد را از این نقطه نظر کردم .

مخبر - ماده اول کافی نیست بجهت اینکه در آنجا نوشته شده است بدولت اجازه داده میشود که برای پیشرفت امور زراعت و صناعت و تجارت بانکی موسوم به بانک ملی ایران تاسیس کند این چطور معلوم میکنند که خود دولت باید این کار را بکند یا اینکه کمک باشخاص و مؤسسات بکنند که آنها اینکار را بکنند ؟ از این ماده تنها بیشتر این مطلب بیرون میآید که خود دولت باید این کار را بکند در صورتیکه ما میخواهیم دولت کمک بکند باشخاص و آنها داخل در عمل بشوند . و این فکر را باید اصلاً از جامعه بیرون کنیم که تمام کارها را منتظرند دولت بکنند . و باید مردم را وادار کرد که خود آنها کار بکنند رئیس - در موقع رأی قطعی تکلیف این پیشنهاد

معلوم میشود . پیشنهاد آقای کازرونی (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵ بترتیب ذیل تنظیم شود بانک مجاز است ودایع نقدی و مدت دار و جاری قبول کند و باستثنای مواردیکه در ماده ۶ منوع گشته پول

قرض بدهد مشروط به اینکه قبلاً اموال غیر منقول که اعتبار آن اموال قانوناً مسلم باشد معادل يك ثلث علاوه بر مبلغ قرض به عقود مشروعه مأخوذ دارد زوار - اجازه بفرمائید يك دفعه دیگر بخوانند مانفهمیدم رئیس - خودشان توضیح میدهند .

کازرونی - عین پیشنهاد را چون بنده خط خودم را میتوانم بخوانم برای آقایان میخوانم : بنده پیشنهاد میکنم ماده ۵ بترتیب ذیل تنظیم شود . بانک مجاز است ودایع نقدی و مدت دار و جاری قبول کند و باستثنای مواردیکه در ماده ۶ منوع گشته پول قرض بدهد مشروط باینکه قبلاً اموال غیر منقول که اعتبار آن اموال قانوناً مسلم باشد معادل يك ثلث علاوه بر مبلغ قرض به عقود مشروعه مأخوذ دارد . حالا در عبارت اگر صحیح و سلیس نیست بنده عرضی ندارم با کمال عجله نوشته ام هر اصلاحی آقایان در نظر داشته باشند ممکن است در عبارت بفرمایند . اما مقصود بنده چیست . اولاً عرض میکنم امروزه اول دنیا نیست و اول ملتی که بانک تاسیس کرده باشد ما نیستیم ما داریم تقلید از دیگران میکنیم باید به بینیم مردم چه کرده اند . يك قانونهای يك اواخت منجمدی برای امر تجارتی (که در هر عصری از اعصار یا هر روزی از روزها ممکن است به مقتضای وقت تغییراتی درش بشود) درست کردن يك چنین موادی اسباب بطوع و کار و بالاخره اسباب عدم پیشرفت کار میشود لکن حالا که این ماده را اینطور مقتضی دیده اند و وارد کرده اند در این قانون بنده عرض میکنم تجربه بمانشان داده که بانکها همینکه وارد شدند بجهت قرض دادن در مقابل اموال منقول و غیر منقول و گرفتن سند از اشخاص معتبر باین عناوین شکست خوردند و در نتیجه از میان رفتند . این ایک تجربه ایست که شده . میگوئید اینطور نیست مراجعه کنید . بنده بانک استقراضی روس را عرض نمیکنم شاید او يك نظریاتی داشته که آن نظریات بحمد الله از بین رفته . بانک شاهنشاهی

فعلی را عرض میکنم ، بروید سؤال کنید ببینید تجربیاتی که دارند از چه قرار است . بنده اینجا پیشنهاد کردم که برای تسهیل امر و برای اینکه آن مقصودی که در نظر دارند که امر زراعت بواسطه گرفتن قرض پیشرفت کند اموال غیر منقول را بعنوان رهن یا بیع شرط یا سایر عقود مشروعه یعنی عناوینی که قانوناً مشروع باشد بگیرند . و البته آن اموال را که میگیرند یا آن ملك را که مأخوذ میدارند بایستی يك ثلث قیمت علاوه بر آن مبلغی باشد که قرض میدهند ، این محل تردید نیست و الا ملك خریدارند آن اموال هم مالکیتش برای صاحب مال قانوناً مسلم باشد یعنی اگر ملك است مالکش رفته باشد در اداره ثبت اسناد ثبت کرده باشد و سند از اداره ثبت اسناد داشته باشد نه اینکه فردا مستحقاً للغير بیرون بیاید . آنوقت بپردازیم باین مسائل که بنده معتقد نیستم . (باز هم توضیح میدهم) که اموال منقول را بعنوان رهن و وثیقه بگیرند این مستلزم يك چیزهایی است که اظهارش بالاخره خوب نیست و با مقصودی که آقایان دارند منافی است باین معنی که شما میخواهید کمک بزراعت و فلاخی بکنید که ملکی دارد و میخواهد پولی بگیرد زراعت بکنند همان ملکش را بعنوان بیع شرط یا وثیقه بگذارند پیش بانک و پولی بگیرد برود زراعتش را راه بیندازد . شما میخواهید چه چیزها را گرو بردارید ؟ این بانک برای آنها نیست این بود عرض بنده .

رئیس - آقای زوار

زوار - عرضی نداشتم .

رئیس - آقای مخبر چه میفرمایند ؟

مخبر - بسته بنظر مجلس است .

رئیس - رأی گرفته میشود بقبایل توجه بودند

پیشنهاد آقای کازرونی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند .

(عده کمی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای عدل

(بشرح آتی خوانده شد)

تبصره ۲ را بماده پنج پیشنهاد مینماید .

بانک در هر يك از شعبات خود (اعم از مرکز و ولایات) دایره مخصوصی باسم دایره باشعبه فلاحت برای مساعدت و قرض دادن به زارعین خواهد داشت که شعبه مزبوره تا میزان معین که (نظامنامه بانک تعیین خواهد کرد) در مقابل ضمانت مالکین یا وثایق و اعتبارات دیگری که تحصیل خواهند کرد بزراعت قرض خواهد داد .

رئیس - آقای عدل .

عدل - عرض می شود چیزی که در نظر بنده خیلی اهمیت دارد مسئله مساعدت بزراعت است سابق معمول بوده مالکین قوه داشتند از زارعین نگاهداری میکردند پول قرض میدادند بآنها کمک میکردند اخیراً که مملکت دچار فقر شده است مالک نمیتواند از زارع نگاهداری کند بعلاوه بواسطه این آقای که اخیراً واقع شده است انواع و اقسام که از جمله اخیراً مسئله کاومیری است زارع بکلی از پا افتاده است یا مهاجرت میکنند میروند یا این است که مؤسسات خارجی که در سرحدات داخل میشوند يك کمک هائی بزراعت میکنند و محصول آنها را مساعده خریداری میکنند . این مسئله هم از حیث سیاست مضر است و هم باین وسیله نفوس کم میشود و ضررش بقدری است که محتاج بشرح نیست . بنده عقیده ام این است که بهر وسیله که ممکن است امروز دولت باید از زارع نگاهداری کند که اقلاً جلو مهاجرت آنها گرفته شود حالا مضار دیگری را که از حیث سیاست دارد عرض نمیکنم . ضمناً هم تصدیق میکنم که بانک نمیتواند به همه زارعین يك ثلث کمک بکند این است که پیشنهاد می کنم در هر ولایت بانک يك شعبه مخصوصی داشته باشد که آن شعبه اسامی زارعین را ثبت کند و در موقع بضات مالکین یا اشخاص دیگر مطابق نظامنامه که نوشته خواهد

شد زارعین کمک کنند برای اینکه جلو مهاجرت آنها گرفته شود

مخبر - خلاصه عرض میکنم که برای تامین نظر آقای عدل بانک فلاحی لازم است و شرایط و تاسیساتش هم چیز دیگری است ولی این بانک برای این است که ناحدیکه لازم است کمک بملک و زراعت و فلاحت بکند نه مثل بانک فلاحی. این است که امیدوارم لایحه دیگری پیشنهاد بشود که منظور آقا هم بعمل بیاید.

رئیس - رأی میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای عدل آقایان موافقین قیام فرمایند. (معدودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای شیروانی. (بشرح ذیل قرائت شد) پیشنهاد میشود قبل از جمله (پول قرض بدهد) نگاشته شود:

برای پیشرفت تجارت و فلاح و صناعت. مخبر - این جمله چون عین مقصود از تاسیس بانک است ضرر ندارد تصویب شود قبول میکنم.

رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (بشرح ذیل خوانده شد)

بنده بعنوان تبصره پیشنهاد میکنم که اضافه شود: که صاحب مال حق دارد قبل از انقضاء مدت مقرره اسبابهای او را که در بانک گذاشته تقاضای حراج آن را بنماید و بانک هم مکلف است قبول نماید.

رئیس - آقای فیروز آبادی
فیروز آبادی - عرض میشود از آنجائیکه همه میدانیم فرضاً امروز آمدیم اسباب و دارائی داشتیم و در بانک گذاشتیم. زراعتان سوخت و چیز دیگری نداریم که گرو بگذاریم و پول بگیریم. لابد میشود که همین اسبابها را بفروش برسانیم و بقیه پولش را هر چه میشود بمصرف برسانیم، اگر بگذاریم در بانک بماند تا انقضای

مدت اسباب زحمت است، به این ملاحظه پیشنهاد کردم که قبل از انقضای مدت صاحب مال اگر خواست اسبابش را بفروش برساند بانک مکلف باشد قبول کند و اسباب او را حراج کند.
بعضی از نمایندگان - پس بگیرد راجع به نظامنامه است.

مخبر - (خطاب با آقای فیروز آبادی) پس میگیرید یا خیر؟
فیروز آبادی - اگر قبول فرمائید پس میگیرم والا پس نمیگیرم.

مخبر - تبصره و موادی که راجع به نظامنامه است در ماده یازدهم ذکر شده و در نظامنامه نوشته میشود و این مسائل همه در آنجا منظور خواهد شد.

فیروز آبادی - عجالتاً مسکوت بماند
رئیس - در واقع در اینموقع پس میگیرید. پیشنهاد آقای مدرس.

(بشرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم بعد از لفظ شخصی نوشته شود: معتبر و یا ضحانت شخص یا اشخاصیکه الی آخر

رئیس - آقای مدرس

مدرس - عرض میشود بنده با ماده موافقم لکن گمان میکنم که يك اجالی دارد و آن اجال با این پیشنهاد بنده رفع میشود. مقصود این است که بانک را ما در این مملکت تاسیس میکنیم که آدمهایش ما را بگیرد. بکنفر میآید قرض میخواهد نه ملک دارد و نه مال دارد اما معتبر است، این معتبر بودن شخص خودش يك عنوانی است که بعضی اشخاص معتبرند یعنی مال مردم را که میگیرند پس میدهند. این را میگویند معتبر. شما می گوئید باین شخص نباید داد. باید تصریح بکنید. من عقیده ام این است که باید داد. و با اینکه خیر خودش اعتبار ندارد ملك ندارد، پول ندارد، اما شخص معتبر ضحانت او را میکند. من اعتقاد این است که باو هم باید پول قرض

داد. پس بایاید اموال منقول یا غیر منقول رهن بگذارد یا خودش معتبر باشد، یا شخص معتبری ضامنش بشود یا مؤسسه ضامنش بشود و باو پول بدهند. اگر مراد ماده این است که این عبارت قاصر است. اگر مراد ماده مطلب دیگری است که بفرمایند. بنده اینطور عرض کردم که قروض مزبوره بوسیله اموال معتبر. (البته اموال معتبر معنائش معلوم است مالی است که بیول بخورد و قیمت داشته باشد اعم از منقول یا غیر منقول) و با امضاء شخص معتبر (یعنی شخصی که قرض میکنند خودش امضاء بکند و معتبر باشد) و با اینکه شخص معتبری از او ضمانت کند که اعتبار آنها نزد بانک مسلم باشد و با مؤسسات معتبره تضمین کرده باشند. اگر مراد این است که عبارت قاصر است. اگر مراد چیز دیگری است پس خوبست آقای مخبر بیان کنند تا من پیشنهاد خودم را پس بگیرم مخبر - مراد از این اشخاصیکه در اینجا نوشته شده ضحانت آنها است.

مدرس - ضحانت ندارد، عبارت تضمین دارد و تضمین مال همه است.

مخبر - حالا منافات ندارد ممکن است لفظ ضحانت هم نوشته شود، لکن شخص معتبر که خودش قرض میخواهد تنها ضحانت خودش کافی نیست اگر بنا باشد به امضای شخص و بدون وثیقه پول بدهند يك ضامن دیگر هم لازم است همینطور که در بعضی بانک ها معمول است که دو نفر ضحانت میکنند یا بکنفر ضامن گیرنده وجه میشود در صورتیکه ممکن است خود آن گیرنده وجه در مواقع دیگر ضامن دیگران بشود ولی وقتی که خودش میخواهد قرض کند باید دیگری را ضامن بدهد. مقصود هم همین است.

مدرس - پس لفظ ضحانت را میخواهد. ضحانت شخصی مخبر - بجای امضاء نوشته میشود ضحانت شخصی یا اشخاص دیگر.

مدرس - بله ضحانت شخص یا اشخاص دیگر،

رئیس - در موقع رأی قطعی تکلیف پیشنهاد آقای مدرس معلوم میشود، پیشنهاد آقای دیبا. (بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم تبصره بترتیب ذیل تنظیم شود: کلیه قروض مزبوره نباید از ثلث سرمایه بانک تجاوز نماید.

رئیس - آقای دیبا
طباطبائی دیبا - این جا نوشته میشود: کلیه قروضی (که به اعتبار اموال داده میشود) اولاً این جمله شامل قروضی که به اعتبار امضاء اشخاص یا مؤسسات داده میشود نیست، و ثانیاً مفهومش هم این است که ممکن است يك قرضی باشد که به اعتبار اموال قرض داده نشود. این است که بنده این پیشنهاد را کردم تا اینکه از این ها جلوگیری بشود

مخبر - ضرر ندارد این را اصلاح کنید که کلیه قروضی که داده میشود از يك ثلث سرمایه بانک تجاوز نکند.

رئیس - چطور فرمودید آقا. چطور اصلاح شود؟
مخبر - کلیه قروض که بترتیب فوق داده میشود نباید از ثلث سرمایه بانک تجاوز کنند.

رئیس - پیشنهاد آقای امامی. (به این نحو خوانده شد)

بنده تبصره ذیل را برای ماده پنجم و ششم پیشنهاد میکنم:

تبصره - وجهی که در مقابل و دایع به اشخاص داده میشود از دوثلث قیمت و دبعه تجاوز نخواهد کرد.
رئیس - آقای امامی

میرزا جوادخان (امامی) - بنده توضیح زیادی ندارم تصور میکنم اگر در خود ماده این پیش بیفتد بشود بهتر است و ممکن است در نظامنامه نتوانند اینرا تامین کنند آنوقت يك اشکالی تولید شود. از

این جهت این پیشنهاد را کردم .

مخبر - يك مرتبه ديگر قرائت شود .
(بشرح سابق خوانده شد)

مخبر - استدعا ميكنم آقا بانك اين جزئيات را براي نظامنامه بگذارند .

رئيس - آقا بانك اين پیشنهاد را قابل توجه ميدانند قيام فرمايند .

(چند نفری برخاستند)

رئيس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای طاهری

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد ميكنم آخر ماده علاوه شود :

و نیز بانك مجاز است بر طبق قانون تجارت به صرافي اشتغال نماید .

رئيس آقای طاهري

دکتر طاهري - تأسيس بانك يك قسمت مهمش براي توسعه تجارت و يك قسمتش هم براي فلاح و صناعت است ولي كم كم آن نظر اصلي در تنظيم مواد از بين رفته و اين ماده كه وظيفة بانك را معين ميكنند اين بانك را يك بانك استقراضي معرفي ميكنند اين است كه بنده پیشنهاد كردم كه اين وظيفة مهم را هم تذكر بدهيم كه بانك مجاز است بر طبق قانون تجارت به صرافي هم اشتغال داشته باشد و تصور ميكنم مانعی هم براي قبولش نباشد زيرا نظر اصلي تقريباً همین است .

مخبر - اصل تأسيس بانك براي عمل صرافي است چنانكه در ماده اول كه هم ذكر شده تجارت مقصود صرافي است و وظائفی كه در اين ماده نوشته شده فوق العاده و استثنائی است و الا وظيفة اصلي بانك همان صرافي است . حالا اگر ما بخواهيم قيد كنيم صرافي معلوم می شود كه اين يك چیز فوق العاده است در صورتی كه عمل قرض دادن به وسیله اموال منقوله و غير منقول و غير اينها يك عمل فرعی است

برای بانك .

رئيس - رأي می گيريم آقا بانك اين پیشنهاد را قابل توجه ميدانند قيام فرمايند .
(عده قليلی برخاستند)

رئيس - قابل توجه نشد . منظور آقای احتشام زاده از اين پیشنهاد گویا نامين شد .
احتشامزاده - بلی .

رئيس - پیشنهاد آقای كازرونی

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد ميكنم كه جمله های از (و يا امضای شخص های معتبره) از ماده ۵ حذف شود .

رئيس - آقای كازرونی

كازرونی - بنده پیشنهاد كردم كه اعم از منقول يا غير منقول و يا امضاء شخص و يا اشخاصی كه اعتبارشان نزد بانك مسلم باشد و يا مؤسسات معتبره تضمين كردد بنده نامؤسسات معتبره اثر را پیشنهاد كردم حذف شود مقصود بنده اين است كه آقا بانك بيشتر اعتمادی كه دارند به كلمه معتبره است . مثلاً بكنفر شخص معتبری مثل ارباب جمشيد و يا مؤسسات معتبره مثل كپانيها و صرافي ها كه در بازار بوده است و معتبر است مثل بعضی نجار كه معتبرند يا بكنفر كه فرض بفرمائيد در خارج معروف است كه آدم صحيح العملی است و بنا بر اين معتبر است . اگر اين منظور است

آقا سيد يعقوب - بلی

كازرونی - پس بنده مخالف با اين هستم . زيرا يك نفر مثل ارباب جمشيد آن اعتباري كه براي جناب عالی دارد ممكن است بواسطه يك حوادثی آن اعتبارش از بين برود

مدرس - خود بانك هم ممكن است از بين برود كازرونی - اصل معنای معتبر اين است كه پول داشته باشد . در مسئله تجارت (فلان كس معتبر است) يعنی

پول دارد بی اعتبار است يعنی پول ندارد يك کسی صحيح العمل است عالم است ، فاضل است راستگو است

اما پول ندارد اين معتبر نيست . اما يك کسی ديگر هست كه تمام صفات رذيله را دارد ولي پول دارد . معتبر است . كاری به صفات ديگر ندارند . اينرا ميگويند يك آدم معتبری است . در اين جا فقط و فقط مدرك و مناط داشتن پول است . در هر صورت به آقا بانك عرض ميكنم اگر بنا شد شما اجازه داديد به اين مؤسسه كه برود از روي نظريه خودش به شخص يا اشخاص يا مؤسسات پول بدهد و آنوقت نظريات خودتان را بطور قهقرا بر گردانيد و قضايای گذشته را مثل برق از نظر بگذرانيد آنوقت می بينيد اگر معلومات و نتيجه تجربيانی كه داريم بالاخره سرمايه اين بانك از بين خواهد رفت . اگر خيال ميكنيد بعد ها بهتر خواهد شد هر وقت وضعيات بهتر شد به مقتضای اوضاع آروز قانون بايد وضع كرد . شما امروز قانون برای امروز بايد وضع كنيد و خبلي بنده متاسفم كه ما قانون كه مينويسيم هيچ ملاحظه نمی كنيم به بينيم ديگران ؟ در عمل چه كار کرده اند بنده نوي يك كتابی با يك روزنامه خواندم كه ترتيبات بانك چطور است ، يا فلان بانك بانك معتبری است بنده نمیتوانم قانون برای بانك بنويسم . در هر صورت عقیده بنده اين است كه اگر اين عبارت حذف نشود واقعاً اسباب اختلال است .

رئيس - عقیده آقای مخبر نسبت باين پیشنهاد چيست ؟

مخبر - بنده كه نمیتوانم قبول كنم ايشان ميگويند كه چون يك تجاری و رشكست شده بايد لفظ اعتبار را برداريم و قبلاً و رشكستگی همه را اعلان كنيم . اين خوب نيست . و رشكست شدن نجار در همه دنيا برای اشخاص معتبر هم فراهم می شود . اينرا ما نمیتوانيم سند قرار دهيم و در يك لايحه بنويسيم . علی اي حال منوط به رأي مجلس است .

رئيس - آقا بانك اين پیشنهاد آقای كازرونی را قابل توجه

ميدانند قيام فرمايند .

(چند نفری قيام نمودند)

رئيس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای امير اسدالله خان (بشرح ذیل قرائت شد)

بصره ذیل را پیشنهاد ميكنم :

كه در تأسيس شعبات بانگی در ولايات به شهرهای صنعتی يك مبلغ عليه حده و جدا گانه اعتبار داده شود كه مخصوص صنعتگران بوده و بوسيله قرضه بتوانند صنايع خود را زويج نمايند

رئيس - آقای امير اسد الله خان

امير اسد الله خان (عامری) - در شهر های صنعتی غالباً ديه می شود كه اشخاص سرمايه دار استفاده ميكنند از كارگران بي بضاعت و آنطوريكه بايستی حقوق آنها را ادا بكنند نمی كنند . من جمله در كاشان و تصور ميشود كه كاشان يك شهري است كه صنعتگرانش می توانند از دست رنج خودشان استفاده كنند در صورتيكه اينطور نيست . اشخاص سرمايه داری كاملاً استفاده از دست رنج آنها ميكنند و اين بيچاره ها بریشان و بد بخت هستند به اين جهت بنده پیشنهاد كردم يك مبلغی به صنعتگران اختصاص داده شود كه آنها بتوانند از دست رنج خودشان استفاده كنند و بيشتر از اين معسر نباشند .

رئيس - آقای زوار كه عضو كميسيون نيستند ؟

زوار - خير

رئيس - آقای مخبر ؟

مخبر - بسته برای مجلس است

رئيس - رأي ميگيريم آقا بانك اين پیشنهاد را قابل

توجه ميدانند قيام فرمايند

(معدودی قيام نمودند)

رئيس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای بامداد

(بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم از جمله غیر منقول تا تضمین گردد از ماده پنجم حذف شود
شیروانی - این پیشنهاد رد شد

رئیس - این عین پیشنهاد آقای کازرونی است .
ماده پنجم قرائت میشود با اصلاحاتی که آقای مخبر قبول کردند و رأی میگیریم
(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۵ - بانک مجاز است ودایع نقدی مدت دار و جاری قبول کند و باسقتنای مواردی که در ماده ۶ ممنوع گشته برای پیشرفت تجارت و فلاح و صناعت پول قرض بدهد مشروط بر اینکه قروض مزبور بوسیله اموال معتبره اعم از منقول یا غیر منقول و یا ضمانت شخصی یا اشخاص که اعتبارشان نزد بانک مسلم باشد و یا مؤسسات معتبره تضمین گردد . شرایط قبول ودیعه با رهن دادن وجه در نظامنامه معین خواهد شد .

مخبر - با رهن و دادن تبصره - کلیه قروضی که بترتیب فوق داده میشود نباید از ثلث سرمایه موجوده بانک تجاوز نماید .

رئیس - در سطر پنجم قبل از دادن وجه يك (واو) میخواهد . رأی میگیریم به این ماده بترتیبی که قرائت شد . آقایانیکه موافقت قیام فرمایند
(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . ماده ۸
(بشرح ذیل خوانده)

ماده ۸ - رئیس بانک هر شاهه يك مرتبه خلاصه عملیات و وضعیات بانک را به وزارت مالیه راپرت میدهد و در آخر هر سال خلاصه حساب (بیلان) آنرا منتشر می نماید بعلاوه يك نفر مفتش بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب هیئت وزراء برای نظارت در جریان امور و معاملات بانک معین میشود .

تبصره - وظایف مفتش بموجب تصویب نامه هیئت وزراء معلوم خواهد شد .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - بنده متأسفم از اینکه نمیدانم چه اصراری دارند که حتماً کله فرانسه باشد . در این جامینویسید خلاصه حساب بعد در برانز مینویسد (بیلان) ما این را برای ایرانی ها می نویسیم . اگر يك آکادمی در کیسیون تشکیل شده است . آن يك نظر دیگری است . ولی این را بنده مخالفم و مخالفت لفظی هم هست و لابد آقای مخبر هم قبول میکنند اما در مسئله مفتش : این جا در ماده هست که ما يك متخصصی برای بانک میاریم دیگر وقتی که متخصص آمد بانک را اداره میکند . عمل اجرائیات که با ما نیست که ما این جا در قانون قید کرده ایم که يك مفتشی بنظر وزارت مالیه تعیین شود بنده این را نفهمیدم چرا نوشته اند بجهت اینکه این عمل اجرائی است و عمل اجرائی بدست ما نیست . وضع قانون بدست ما است ، ما قانون بجهت تأسیس بانک مینویسیم و بعد هم متخصص برایش معین کردیم که خود متخصص مامور اداره بانک است و اداره بانک را هم مرتب میکند . در قسمت مفتش غرضم این بود که بنده هر چه فکر میکنم که يك ماده مخصوصی که يك مفتش از مالیه برای بانک معین شود فلسفه اش را نفهمیدم این است که بنده تقاضا میکنم آقای مخبر این را توضیح بدهند که علت تعیین کردن مفتش در ماده قانون چیست ؟
و بیلان هم زیادی است

مخبر - اولاً لفظ بیلان که ملاحظه میفرمائید لفظی است که فارسی ندارد خلاصه حساب . خلاصه عمل هیچکدام را نمیرساند و آقایان که مربوط هستند البته می فهمند چه عرض میکنم این است که ناچاریم لفظ بیلان را بنویسیم که معلوم شود مقصود چیست . شما شاید بگوئید عملیاتی که کرده اند و بده و بستانشان را بنویسند ولی بیلان آن نیست بیلان این است که در يك صفحه کوچکی تمام معاملات بانک را بطور کلی معین

کازرونی - بله
رئیس - بفرمائید

کازرونی - بنده راستی تا توضیح نداده بودند گمان میکردم که بیلان بیلان است که در ترکی بمعنای مار است آقای مخبر هم که توضیح دادند بنده نفهمیدم مقصود چیست و بالاخره منظور اگر خلاصه جمع و خرج و موازنه است هر چه هست ممکن بود خودشان يك کله را ایجاد کنند و توضیح بدهند که چیست ؟ اگر بگوئیم بانک باید بفهمد که بتکلیف خودش عمل کند لازم نیست این کله را بنویسیم و در هر صورت برای من بعد خوب است بکفتری احتیاط بکنیم و يك چیز های زائیدی را ننویسیم . دیگر راجع به مفتشی است . مفتشی که تعیین می شود البته نظیر مفتش است که برای نفت جنوب معین کردیم یا مفتشی که برای مالیه معین میکنیم که میروند بولایات یا نظیر مفتشی است که برای انتخابات معین میکنیم و بالاخره مفتش هم بکنفر آدم است و تفتیش و تدقیق در امور بانکی قائم بوجود بکنفر بودن را بنده صلاح نمیدانم بانک باید يك هیئت داشته باشد که همیشه اوقات منظم آنها جلساتی داشته که رسیدگی بوضعیات بانک بکنند و هر عملیاتی که این بانک میکند تحت نظریات این هیئت باشد و بنظر این هیئت اداره شود نه اینکه تفتیش امر بانک منحصر و منوط بوجود بکنفر آدم باشد که رسماً حکمش صادر میشود والا مثل سایر اموریکه تجربه دادیم ممکن است که بالاخره نظریات او نتیجه نداشته باشد

رئیس - آقای شیروانی
شیروانی - خلاصه فرمایشات نماینده محترم این بود که مفتش را باید طوری انتخاب کرد و وظایفی برای او معین کرد که فایده از وجودش ببرند و اساساً گمان نمیکم با مفتش مخالفتی داشته باشند . بنده هم حقیقه با ایشان در يك مثلی که زدند موافق هستم که مثلاً ما مفتش که برای نفت جنوب معین میکنیم باید يك

وظایفی را برای او معین کنیم و يك تكالیفی را هم از او بخواهیم و يك زاپرنهائی را هم همینطور بیکه در این ماده ذکر کرده ایم در هر چند هفته بکمرتبه رابری از وضعیت نفت آنجا بدهد او حالا وظیفه خودش را انجام نمیدهد بادولت وظیفه معین نکرده این دلیل نیست که ما برای بانك هم مفتش معین نکنیم و این ماده در حقیقت در مجلس پیشنهاد شد دولت هم پیشنهاد نکرده بود آقایان نمایندگان این پیشنهاد را کردند و برای این بود که هر چند مدت بکمرتبه مردم از وضعیت بانك تا آن حدودی که صلاح است یعنی تا حدود بیلان مسبوق شوند و ما در ضمن رسیدگی بدوسیة شنیدر کروزو دیدیم يك معامله را که با يك دولتی کرده آن معامله را بطور مجله طبع و توزیع کرده و این انتشار صورت وضعیت بانك نه تنها از نظر اصلاح مجلس و سایر علاقه مندان بانك نافع است بلکه حکم يك تبلیغی را دارد برای وضعیت بانك . اگر در آخر هر سال بانك بتواند بیلان خودش را منتشر کند و نشان بدهد مردم که بانك چه پیشرفتهائی حاصل کرده این بهترین تبلیغات است برای بانك . مفتش را هم البته اگر همانطور که فرمودند مقصود این باشد که یکنفر شخص را کاری بهم داده باشند هیچکس موافق نیست ولی مفتشی که بموجب تصدیقنامه هیئت وزراء وظایفی داشته باشد و از او مسؤلیت بخواهند و همیشه مراقب جریان وضعیت بانك باشد بعقیده بنده بهترین ماده که در این لایحه است همین ماده است که مربوط بمفتش و انتشار صورت حساب است

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - آقای نظامی پیشنهاد کرده اند بیلان حذف شود . بفرمائید

نظامی - عرض کنم بنده وقتی کلمه بیلان را خواندم از بعضی آقایان هم سؤال کردم دیدم واقعا آنها هم نمیدانند فقط آقای دکتر طاهری دو سه جور تعبیر کردند گاهی فرمودند مفاصا حساب گاهی فرمودند . تطبیق جمع و

رئیس - بفرمائید

آقا سید یعقوب - آقای فهیمی يك چیزها و عقابدی را که از روی حس وطنی صحبت میشود از روی مطایبه رد میکنند : میگویند بیلان اگر نداشتیم بانك هم نداشتیم پس بیلان هم مثل بانك است !! هیچ مناسبت دارد !! بانك را که برای آبادی مملکت است تطبیق میکنند بایك لفظی که هیچ محتاج الیه نیست ! میفرمایند همینطور بیکه ما احتیاج به بانك داریم به بیلان هم داریم که اگر بیلان نباشد بکلی بانك از بین میرود !! این قضاوتش با وجدان و حکومت آقایان است . راجع بعنوان مفتش خود آقای مخبر تصدیق کنند اینجاده که این جا نوشته شده است برای چیست ؟ برای استحضار دولت و عامه مردم از وضعیت بانك است که بدانند بانك درشش ماه چه کرده است نظرباین مسئله آمده اند يك سطری وبعد هم يك حقوقی برای يك مفتش معین کرده اند بنده عرض میکنم این محتاج نیست . مطلب همان چیزی است که آقای شیروانی اشاره کرده اند . بنده چشمم از مفتش آب نمیکشود . این مدت اداره تفتیشی که معین کردیم هیچ انفعالی نکرقتیم غیر از ضرر . در وزارتخانهها يك فصل بزرگی بعنوان تفتیش نوشته شده است . یکنفر از اینها تحت سؤال آمده اند که چکار کرده اند ؟ حالا که بودجه وزارتخانهها مطرح نیست نا اینکه عریض خودم را راجع بادارات تفتیش عرض کنم که این کلمه يك کلمه ایست که در تحت آن چقدر بخزانه مملکت ضرر وارد شده است . مگر اینکه مجلس شورای ملی بادولت يك قانون بایك نظامنامه برای عملیات مفتشین معین کند و حقیقه يك نظارت و اجرائیات باشد و الا بمجرد لفظ که ما بگوئیم (مفتش) این يك کلمه غیبی است و باید مؤثر باشد . وزارت معارف ماهی سه هزار تومان بابت اداره تفتیش میگیرد . بروید نگاه کنید و همینطور جاهای دیگر پس چون اداره تفتیش هیچ عمل

نکرده است بنده نظر بآن عقیده که دارم مخالفت میکنم تا اینکه قانون مفتشین نوشته شود . مملکت يك اداره تفتیش کلی میخواهد که وظایف او معین و در تحت يك قانونی باشد والا به این عبارت ها ما بیائیم از خزانه مملکت پول بدهیم بنده مخالفم و ثانیاً در این جا ذکر کردن اجرائیات همانطور که عرض کردم با ما نیست اجرائیانش با آن متخصصی است که معین کردیم . تعیین کردن مفتش هم تحت نظامنامه است نه قانون ، در ماده دوازده بیان میکنند که این قانون دارای يك نظامنامه است و اگر محتاج شود که تحت این عنوان يك پولی به مفتش داده شود باید در آنجا ذکر شود نه در متن قانون و بنده کلیه مخالفم

مخبر - اولاً در مقایسه لفظ بیلان و بانك که فرمودند بنده عرض کردم که خود لفظ بانك هم خارجی است لفظ فارسی ندارد که ما آنرا موقوف کنیم واسم دیگر بگذاریم برای اینکه يك کلمه جامعی برای اون نیست که هما معنی را بدهد همینطور برای بیلان هم لغتی پیدا نشود مگر سه سطر چهار سطر ترجمه بنویسیم یعنی يك فصل از علم محاسبات را بایستی نوشت تا معلوم شود بیلان چیست ولی لفظ بیلان که نوشتیم هر مؤسسه میفهمد چیست و انشاء الله آقای کازرونی هم بعد از این خواهند دانست اما راجع به لفظ مفتش ؟ این جا ما نظر آقا را رعایت کردیم و اگر مینوشتیم «کمیسر» این اعتراض را نمی فرمودند این همان کمیسر است که در تمام بانکها از طرف دولت يك مأمور عالی باید باشد که همه روزه بداند بانك چه میکند ؛ بروانی که صادر میکند . پولهایی که میدهد پولهایی که میگیرد تمام اینها را باید مفتش همه روزه نظارت کند مفتش برای بانك مثل دیوان محاسبات است برای وزارت مالیه حالا میفرمائید چون آنرا نداریم باید مفتش هم نداشته باشیم ۱۴ مفتش فلان وزارت خانه بوظایف خودش عمل نمیکند نقص آنجا دلیل نمیشود که جاهای دیگر را هم ناقص بگذاریم بلکه باید معایب را

رفع کنیم . مفتش که همان کمیسر عالی بانک است يك ماهه وری است که حتمی است و بلکه میخواهم عرض کنم لازم تر از رئیس بانک است اگر کمیسر و مفتش عالی نباشد بانک عملیانش طرف اطمینان نیست و میبایستی حتماً باشد .

رئیس -- رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب آقابان موافقین قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه شد . پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا . (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم بعد از کله بیلان بین الهلالین نوشته شود (خلاصه جمع و خرج)
رئیس -- بفرمائید

محمد ولی میرزا -- برای اینکه این مناقشه لفظی تمام بشود بنده این پیشنهاد را عرض کردم صورت قانونی هم دارد . اگر آقابان مراجعه بفرمایند بقانون تجارت که از کمیسیون گذشته است و مجری است و مخصوصاً خود بنده در آن تاریخ در کمیسیون عضویت داشتم این مسئله مطرح شد و بالاخره مخصوصاً در مقابل بیلان در قانون شرکتهای نوشته شده (خلاصه جمع و خرج) . همین طور برای کمیسر هم که در اینجا ذکر شده کله که واقعا معنای کمیسر را بدهد و به لسان ما هم باشد معلوم شده از این جهت برای اینکه ایراد آقای کازرونی هم دوام نداشته باشد بنده پیشنهاد کردم در بین الهلالین نوشته شود (خلاصه جمع و خرج) برای اینکه این اصطلاح قانونی است و در قانون تجارت هم مصطلح است . مسئله بیلان همان خلاصه حساب است .

مخبر -- بنده تصور میکنم این جمله هم باز مقصود بیلانرا نمیرساند اگر باز موازنه بنویسند بهتر است ولی اگر همینطور بکله نوشته شده بماند بهتر است

رئیس -- آقابانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (معدودی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد . دوازده فقره پیشنهاد است اجازه میفرمائید بماند بعد از تنفس جمعی از نمایندگان -- صحیح است (در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله سه ربع ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد کرده اند انتخابات سیرجان مطرح شود . بعضی از نمایندگان -- صحیح است شیروانی -- این لایحه هنوز تمام نشده
رئیس -- میدانم پیشنهادی است کرده اند . (خطاب باقای آقا سید یعقوب) بفرمائید .

آقا سید یعقوب -- بنده از مجلس مقدس يك قضاوت عادلانه میخواهم . این مسئله جربالش در مجلس واقع شد آقای عمادی پیشنهاد کردند به روز سه شنبه موکول شود ما هم موافقت کردیم که سه شنبه باشد این است که بنده این پیشنهاد را کردم تا مجلس در این موضوع قضاوت خودش را بکند . حالا منوط است بقضاوت عادلانه نمایندگان محترم .

رئیس -- آقای آقا میرزا عبدالحسین موافق هستید ؟ آقا میرزا عبدالحسین -- مخالفم

رئیس -- بفرمائید . راجع باین است که جزو دستور بشود یا نه ؟

(آقای میرزا عبدالحسین در محل نطق حاضر و پس از چند کله مذاکره با آقای رئیس به محل خود مراجعت نمودند)

رئیس -- ایشان خیال کردند که راجع باصل موضوع است . آقای زوار

معلوم نیست روز آخر سال است ؟ ساعت آخر سال است ؟ و این عملی نیست باید سال تمام شود آنوقت حساب را بدهند این است که بنده پیشنهاد کردم در فروردین ماه هر سال صورت حساب را منتشر کنند یعنی حساب سال سابق را . مخبر -- این صحیح است همینطور قبول میکنم که در فروردین هر سال بیلان سال قبل را منتشر کنند رئیس -- پیشنهاد آقای زوار .

(بنحو ذیل قرائت شد)
بنده در ماده هشت بجای يك نفر مفتش اینطور پیشنهاد میکنم : وزیر مالیه شخصاً مشغول نظارت در جریان امور و معاملات خواهد بود . رئیس -- بفرمائید .

زوار -- آن جا مشغول نبود (مسؤل) بود . اینجا راجع بيك نفر مفتش بعضی صحبتها شد که ممکن است بکنند مفتش بواسطه عدم اعتماد اسباب زحمت بشود چون وزارت مالیه جزء هیئت دولت است و هیئت دولت هم طرف اعتماد اکثریت مجلس است لذا برای تکمیل اطمینان و اعتماد نمایندگان محترم بنده پیشنهاد کردم که شخص وزیر مالیه مسؤل نفتیش عمل بانک خواهد بود .

رئیس -- آقای باسائی باسائی -- رأی گرفته شود مخبر -- نفتیش در عمل بانک مربوط بوزیر مالیه نیست و باید بکنند مفتش از طرف دولت معین شود که تابع تغییر کابینه ها نباشد و معلوم نیست مسئولیت وزیر مالیه در اینجا چه اثری خواهد داشت .

رئیس -- رأی گرفته میشود باین پیشنهاد آقابان موافقین قیام فرمایند (معدودی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای احتشامزاده (بشرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۸ این جمله اضافه شود (وزارت مالیه

زوار -- البته تصدیق میفرمایند که لایحه بانک خیلی مهم است و هنوز باخر رسیده چطور آقای آقا سید یعقوب این پیشنهاد را کردند ! بنده مخالفم که این موضوع باین بزرگی را بگذاریم و داخل در يك موضوعی بشویم که هیچ در مجلس هم سابقه ندارد . بنده مخالفم (در این موقع چند نفر از آقایان نمایندگان از مجلس خارج شدند)

رئیس -- معلوم میشود باید جلسه را ختم کرد . بعضی از نمایندگان -- صحیح است شیروانی -- بنده مخالفم با ختم جلسه . رئیس -- بفرمائید

شیروانی -- بنده استدعا میکنم آقای آقا سید یعقوب پیشنهاد خودشان را پس بگیرند برای اینکه لایحه بانک بگذرد ناپس فردا ترتیبی در این موضوع داده شود برای اینکه يك لایحه باین مهمی بواسطه يك موضوع شخصی عقب نیفتد . آقا سید یعقوب -- اجازه میفرمائید ؟ نظر بمساعدت و موافقتی که بنده در سیاست با آقای شیروانی دارم این مسئله را قبول میکنم که جزء دستور در اول جلسه روز پنجشنبه بشود بانظریات ایشان موافقم بگوئید آقابان تشریف بیاورید . انتخابات غیر از سید تومانی گرفتن است ؟

(در این موقع عده از آقایان نمایندگان از خارج وارد شدند)

رئیس -- پیشنهاد هائی که راجع بماده هشت رسیده است قرائت میشود

(بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد مینمایم -- عوض جمله و در آخر هر سال نوشته شود : در فروردین ماه هر سال خلاصه حساب (بیلان) سال سابق را منتشر مینماید . دیبا رئیس -- بفرمائید .

دیبا -- اینجا مینویسد آخر سال و این مجهول است

باید خلاصه عملیات و وضعیات بانک را در هر شش ماه یک مرتبه بمجلس شورای ملی راپورت دهد)

رئیس -- بفرمائید

احتشام زاده - مقصود از این ماده هشت این است که در امور بانک نظارت بکنند و مراقبت شود که مطابق منظور عمومی عملیات بانک بنفع دولت و ملت خانم پیدا کند. بنده برای اینکه تکمیل بشود این نظارت معتقدم این راپورتنی که میدهید بوزارتمالیه و زارتمالیه هم يك راپورتنی بمجلس شورای ملی بدهد.

رئیس بانک شش ماه يك مرتبه راپورت بوزارتمالیه میدهد و ضرری ندارد که خود وزیر مالیه هم برای اطلاع خاطر آقایان نمایندگان يك نسخه از آن راپورت را بمجلس شورای ملی بفرستند تا آقایان نمایندگان هم از جریان و وضعیت بانک اطلاع پیدا کنند زیرا یکی از مهمترین وظایف آقایان نمایندگان نظارت در ادارات دولتی و اجرای قوانین است. به این جهت برای تکمیل نظارت بنده پیشنهاد کردم که وزارت مالیه يك نسخه راپورت هم به مجلس شورای ملی بدهد.

مخبر - راپورت دادن به مجلس صورتی ندارد زیرا عمل بانک هم یکی از عملیات وزارت مالیه است مثل خزانه و مثلاً اداره عایدات و سایر دوائر وزارت مالیه اگر آقایان واقماً میخواهند نظارت مجلس را در امور مالی بموقع اجرا گذارند باید سعی کنند که هر چه زودتر دیوان محاسبات تشکیل شود که ناظر عملیات دولت باشد و الا هیچیک از این دوائر دولتی از حیث جمع و خرج در تحت نظارت واقعی مجلس نیست. و حالاً مقتضی نیست که ما فقط در این جا اختصاص بدهیم به بانک که حساب او را فقط به مجلس بیاورند و این صورتی ندارد. بانک هم يك شعبه است از ادارات دولتی. سرمایه او از طرف دولت داده شده و مثل سایر دوائر دولتی که جمع و خرج دارند حسابش باید جزو وزارت مالیه باشد و عایدات او را باید دولت در جزو حساب سالیانه اش

تهیه کند و بمجلس بیاورد. باید از راه اساسی وارد کار شد و الا در لایحه بانک اشاره باین قسمت کردن که دولت راپورت بانک را به مجلس بدهد گن نمیکنم موردی داشته باشد

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای احتشامزاده آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (معدودی قیام کردند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای امیر اسد الله خن.

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجای بیلان نوشته شود عملیات سالیانه.

رئیس -- آقای امیر اسدالله خان

امیر اسدالله خان - پیشنهاد بنده راجع باین بود که مقید باشیم لغات فارسی استعمال کنیم مخصوصاً در مجلس شورای ملی که آقایان نمایندگان تشریف دارند و نماینده احساسات ملی می باشند مقتضی است که ما قدری دقت کنیم در اینکه الفاظی که صورت خارجی دارد در ایران استعمال نشود. کتاب لغت ما اینقدر فقیر نیست که اگر بخواهیم بیلان را بدل بفارسی کنیم لغتی برایش پیدا نشود. باین جهت بنده پیشنهاد کردم که بیلان تبدیل شود بصورت عملیات سالیانه.

رئیس -- آقای یاسائی عضو کمیسیون هستید؟

یاسائی - خیر. ولی اجازه میفرمائید راجع به بیلان توضیحی بدهم.

مخبر - پیشنهاد ایشان همان مذاکرانی است که مکرر شده. اگر میخواهیم بیلان را ترجمه کرده باشیم هیچکدام از این معانی که فرمودند معنی بیلان نیست و اگر مقصود این است که يك عبارتی باشد همان بیلان بهتر است.

رئیس -- رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن

پیشنهاد آقای امیر اسدالله خان آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.

(چند نفری قیام کردند)

رئیس -- قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای عدل.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عوض لفظ خلاصه حساب راپورت سالیانه نوشته شود.

عدل - استرداد میکنم.

رئیس -- پیشنهاد آقای افسر

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در عوض بیلان خلاصه جمع و خرج نوشته شود.

افسر - این نیست. پیشنهاد دیگری است.

رئیس -- بله. قرائت میشود. پیشنهاد دیگر آقای افسر.

(بمضمون ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم در عوض خلاصه حساب خلاصه جمع و خرج و نتیجه عملیات بانک را منتشر مینماید.

رئیس -- آقای افسر

افسر - اولاً بنده از آنوقتی که آقای مخبر فرمودند این کلمه فارسی ندارد خیلی متأثر شدم. هر لغتی که زبان دیگر ترجمه میشود معنی دارد. منتهی ممکن است لغت بسیط نداشته باشد و لغت مرکب داشته باشد. ولی علی ای حال هر لغتی بزبان خارج معنی دارد و هر کلمه را بهر لغت دنیا که بخواهند ممکن است ترجمه کرد. پس فارسی دارد منتهی بعضی لغات هست که فارسی است و وقتی که بخواهند بفرانسه ترجمه کنند يك لغت مناسبی برایش پیدا میکنند و بآن ترجمه و آبر می کنند. ولی بکوقت هست که بایک جمله آن عبارت را میفهمند. مثلاً ملاحظه بفرمائید در دو سه روز قبل روز نامه در موضوع الغاء

کابینتولاسیون که در جزء اخبار روز خبر داده بود کابینتولاسیون را ترجمه کرده بود بمحقق خارج الملکی وقتی که او خواسته این کلمه را ترجمه کند بمحقق خارج الملکی تعبیر و ترجمه کرده در صورتیکه ما خیال میکردیم تمام دنیا کابینتولاسیون میگویند. بعد معلوم شد که روز بعدی ترجمه کرده است. حالا بیلان هم همینطور است والبته فارسی دارد چنانچه در ماده ۴۹ قانون تجارت هم اشاره باین موضوع شده که میگوید مقصود صورتحساب است و در قانون تجارنی که از کمیسیون تجارت گذشته این مسئله را قید و تصریح کرده حالا بهر صورت مقصود را که از این کلمه ما فهمیده ایم و میخواهیم بآن رأی بدهیم همین است که بنده نوشته ام که همه ساله بانک خلاصه جمع و خرج و نتیجه عملیات خودش را انتشار بدهد. مقصود همین است که بنده نوشته ام حالا این کلمه را هر چه دانشان میخواهد بلسان فرنگی ترجمه کنند میخواهند بیلان بگویند یا چیز دیگر. بعضی از آقایان میفرمایند اگر فارسی نوشته شود ممکن است اشتباه شود و این مقصود را رساند بنده عرض میکنم مقصود همین خلاصه صورت حساب و ترتیب عملیات است حالا این را هرطور میخواهید ترجمه کنید و اشکالی ندارد و به عقیده بنده این قدر پافشاری در يك لغتی که وجودش چندین لارم نیست صورت خوشی ندارد. بله در يك موضوع ما در مجلس گرفتار شدیم و چاره جز قبول آن نداشتیم و آن کلمه فرس ماژر بود که چون دیدیم فارسی ندارد مجبور شدیم در بین الهالاین نوشتیم فرس ماژر اما همه جا لازم نیست این کار را بکنیم. و اگر معنی غیر از این است خوب است آقای مخبر توضیح بدهند تا بان معنی رأی گرفته شود. در هر حال هر لغتی را که تصور بفرمائید در زبان فارسی خودمان داریم فرضاً که در فارسی يك کلمه نباشد یا ناقص باشد آیا مرکبانش هم نمیتواند جواب مفردات لغت فارسی را بدهد؟ این است که بنده این طور پیشنهاد کردم. دیگر بسته بنظر

آقایان است .

فهمی - بنده بهمان دلیل که آقای افسر فرمودند جواب عرض میکنم که این جا ممکن است اشتباه شود چنانچه در همان روزنامه هم که مثل زدند اشتباه شده بود فرمودند کاپیتولاسیون را ترجمه کرده بود به حقوق خارج المملکتی یا خارج الملکی در صورتیکه کاپیتولاسیون غیر از حقوق خارج الملکی است و حقوق خارج الملکی exterritorialité (اکس تری توریالته) و کاپیتولاسیون عبارت است از امتیازات اجانب در يك مملکت . حالا در موضوع بیلان هم ممکن است همین اشتباه روی دهد و همین سوء تفاهات پیدا شود . حالا بنده يك مدرک دیگری خدمتشان عرض میکنم تا قانع شوند . در قانون تجارت که از کمیسیون گذشته بنده دو ماده از همان قانون را برای ایشان می خوانم تا ملاحظه فرمایند .

هر شرکت سهامی باید شش ماه به شش ماه خلاصه صورت دارائی و قروض خود را ترتیب داده و به مفتشین بدهد بعلاوه شرکت های مزبور باید مطابق ماده ۹ این قانون صورت حسابی که متضمن دارائی منقول و غیر منقول و همچنین صورت مطالبات و قروض شرکت باشد ترتیب دهد . این صورت حساب و همچنین بیلان و حساب نفع و ضرر شرکت باید لااقل چهل روز قبل از انعقاد مجمع عمومی به مفتشین داده شود که به مجمع مزبور بدهند . این جا ملاحظه فرمائید که بیلان را مخصوصاً توضیح داده ماده ۴۹ : تا پانزده روز قبل از انعقاد مجمع عمومی هر صاحب سهم می تواند در مرکز شرکت بصورت حساب و صورت اسامی صاحبان سهام مراجعه کرده و از بیلان که متضمن خلاصه صورت حساب شرکت است و از راپورت مفتشین سواد بگیرد . در این جا هم باز باید اینها را ذکر کرده است بیلان را هم ذکر کرده است . در قانون شرکت ها همه جا ذکر از بیلان شده . بهر حال باید تصدیق کرد که کلمه بیلان مثل بانک و تلفون و تلگراف و غیره يك کلمه بین المللی شده که باید او را قبول کرد زیرا هیچ کلمه

دیگری نمی توان بجای او گذارد . اگر يك وقت آکادمی درست شد و يك کلمه مناسبی وضع کردند آنوقت البته عیبی ندارد . اما حالا نمیشود از این کلمه صرف نظر کرد زیرا اگر بنا باشد ما حالا يك کلمه وضع کنیم بعد از چندی دیگر از کجا بدانیم که مقصود از این کلمه بیلان بوده است ؟ ممکن است اشتباه شود و درست مقصود را رساند و در آتیه اسباب زحمت و اشکال شود .

رئیس -- رای گرفته میشود بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای افسر آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند . (معدودی قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی .

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم هر شش ماه تبدیل به سه ماه شود .

رئیس -- آقای حاج میرزا مرتضی

حاج میرزا مرتضی - البته مقصود از دادن صورت حساب بوزارت مالیه برای این است که مالیه اقتدار داشته باشد بر عملیات بانک و از جریان اوضاع آن اطلاع پیدا کند تا اگر اختلافانی شد از آن جلوگیری کند حالا به عقیده بنده ضرری ندارد که هر سه ماه سه ماه این صورت حساب را بدهد زیرا اگر يك کارهایی بشود وزارت مالیه زود تر می تواند جلوگیری کند . و هیچ زحمتی هم ندارد . چه فرق میکند . این که شش ماه بشه ماه صورت میدهد سه ماه سه ماه بدهد .

مخبر - بسته است به نظر مجلس .

رئیس -- رأی گرفته میشود به پیشنهاد آقای حاج میرزا مرتضی . آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای فیروز آبادی

(باین عبارت خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که برای شهر های صنعتی ایران يك مبلغی اضافه اعتبار ببانک داده شود که چون غالباً قادر بر تأسیس صنایع خود نیستند بتوانند از صنایع خود استفاده نمایند .

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - هر چند این پیشنهاد خودم را عملی ندانم ولی غرضم تذکر دادن است که اگر انشاء الله بانک تأسیس شود و بکار و جریان بیفتد بلاد صنعتی را بیشتر طرف توجه قرار دهند و با آنها بیشتر کمک بشود .

رئیس -- رأی میکنیم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند .

(معدودی قیام کردند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگر آقای فیروز آبادی .

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که بعنوان تبصره با ماده اضافه شود که صاحب مال می تواند از شعبه رهنی تقاضا نماید قبل از انقضای مدت مقرره آنچه را که در بانک گذاشته حراج نماید و بانک مکلف است قبول نماید

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده همان طوری که سابقاً عرض کردم نیم ساعت با سه ربع قبل عرض کردم . معتمد اموالی که در بانک گذاشته میشود ممکن است صاحب مال احتیاج داشته باشد و مال دیگری هم نداشته باشد که دو مرتبه رهن بگذارد و اگر خواست همان چیزیکه گرو گذاشته بفروشد و اگر چنین تقاضائی از بانک کرد بانک مکلف و مجبور باشد که او را به فروش برساند پول خودش را بپردازد و مازاد آنرا بصاحبش رد کند . تا مشغول کار شود .

مخبر - نظر آقای فیروز آبادی خیلی خوب است ولی موردش اینجا نیست و در آخر قانون خوب است که بعنوان ماده الحاقیه پیشنهاد کنند و بعقیده بنده اگر در ماده قبل پیشنهاد شده بود بهتر بود

رئیس -- رأی میکنیم آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی برخاستند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد دیگر آقای فیروز آبادی

(بترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم که کلیه اسبابی که بشعبه رهنی آورده میشود رضایت طرفین تقویم شود و این پیشنهاد بعنوان تبصره اضافه شود

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - غرض عرضم در این پیشنهاد این است چون بعضی از مردم شکایت میکنند اموالی که ما در بانک میگذاریم و قیمت میکنند نلک و ربع قیمت میکنند باین ملاحظه پیشنهاد کردم که تقویم رضایت طرفین باشد که به رضای این کار بشود آنوقت اگر صاحب مال قبول کرد که هیچ و الا میبود بی کارش در هر حال مقصود این است که رضایت طرفین تقویم شود نه اینکه تقویم يك طرفه باشد .

رئیس -- رأی گرفته میشود بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه موافقت قیام فرمایند (چند نفر قیام نمودند)

رئیس -- قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای زوار .

(باین مضمون قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بماده هشت دولت رأی گرفته شود .

رئیس -- آقای زوار

زوار - بنده کاملاً به تبادل افکار علاقه مندم البته يك موضوعی که مجلس میاید باید تبادل افکار در آن شود و نتیجه این برای مملکت بهتر است. ولی گاهی دیده میشود که در سر يك لایحه مهم و مهمه معظمی يك چیزهای کوچکی گفته میشود که حقیقتاً وقت مجلس را تلف میکند و يك لایحه خوبی که به مجلس میآید دچار اشکالات میشود. مثلاً در این لایحه باین معظمی و مهمی يك ابرادات کوچکی میشود که هیچ شایسته نیست. مثلاً لفظ کمیسیون خودش فرانسه است و تا کنون هیچ طرف توجه نشده است و يك اصطلاحاتی است که در این مملکت متداول است و هیچ اظهاری در آنها نمیشود آنوقت در سر کله بیلان يك مذاکرانی میشود، گاهی نماینده محترم بر معلوماً نشان افزوده بیلان میگوبند و گاهی طور دیگر میفرمایند و بالاخره وقت مجلس تلف میشود. بنده عقیده ام این است که بهتر این است بهمان ماده دولت رأی گرفته شود که این حرفها از میان برود.

رئیس - ماده هشت لایحه دولت مربوط باین موضوع نیست.

بگنفر از نمایندگان - غرضشان ماده کمیسیون است زوار - پس این را مسترد میدارم و درست پیشنهاد میکنم
رئیس - پیشنهاد آقای شریعت زاده
(بضمون آن خوانده شد)

پیشنهاد میکنم عبارات راجعه به تعیین مفتش تا آخر ماده حذف شود.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنظر بنده بانک ملی یکی از مؤسساتی است که باید دولت یعنی وزارت مالیه در حدود قوانین که از مجلس گذشته است اداره کند و بنابراین هر يك از وزراء مکلفند برای تأمین حق استعمال قانون در حدود مسؤلیت خودشان بوسائل قانونی متمسک شوند. بنا براین هیچ دلیلی ندارد که يك موضوعی که مربوط بقوه اجرائیه است مادر این جا عنوان کنیم.

و دولت باید وسائل مقتضیه را در هر موردی اتخاذ کند. اگر مالان برای انجام تفتیش يك موضوع خاصی در نظر بیآوریم که باید يك مفتشی معین شود و دولت بآن وسیله تفتیش کند در صورتیکه معتقد هستیم که البته در این باب يك نظامنامه تدوین خواهد شد و مالیه باید هر سه ماه سه ماه تفتیشات لازمه را بکند و ممکن است بوسائل دیگری که دارد این تفتیش را بعمل آورد. بنا بر این تصور میکنم هیچ ضرور نباشد که این عبارت در این ماده نوشته شود.

مخبر - مذاکرات راجع به قسمت مفتش مفصلاً شد و گویا آقای شریعت زاده توجه فرمودند. این مسئله غیر از تفتیش و نظارتی است که وزارت مالیه بر حسب وظائف قانونی در ادارات مالی دارد بلکه مقصود در این جا يك نفر کمیسر است که از طرف دولت برای نظارت در امور بانک انتخاب و تهیه میشود. این مربوط به تفتیش که مالیه میکند نیست. بانک غیر از خزانه است. بانک يك اداره تجارنی است پول مردم و پول دولت در این مؤسسه باید جمع شود. و طرف معاملات و داد و ستد است. از این جهت يك نفر کمیسر دولت حتماً باید در این جا باشد که بعملیات این بانک رسیدگی کند. در لایحه اولیه عیناً نظریه حضرتعالی ذکر شده بود ولیکن نظر اکثریت مجلس این بود که صورت حساب را بانک هر سه ماه سه ماه بدولت بدهد یعنی هر سه ماه سه ماه هیئت مفتشی از طرف دولت و وزارت مالیه بروند در آنجا و تفتیش کنند. و بالاخره ما اینطور قائل شدیم که يك کمیسری از طرف دولت برای بانک لازم است.

رئیس - رأی در این باب مبنای رأی قطعی پیشنهاد آقای دکتر رفیع خان
(بشرح آن خوانده شد)

پیشنهاد می کنم که ماده هشت این طور اصلاح شود
رئیس بانک در شش ماه اولین هر سال خلاصه عملیات

خود را بوزارت مالیه تقدیم و در آخر هر سال نتیجه عملیات سالانه و وضعیات فعلی خود را منتشر نماید

رئیس - آقای دکتر رفیع خان

دکتر رفیع خان - در آن ماده هشت یکدفعه نوشته شده است رئیس بانک هرشش ماه بکمرته خلاصه حساب و وضعیات بانک را بوزارت مالیه راپرت میدهد. در دفعه دوم نوشته و در آخر هر سال بیلان را منتشر نماید آقایان محترم لفظ بیلان را درست ملتفت نشده اند و اگر درست دقت شود لفظ بیلان در این سطور هست. بیلان يك لفظی است لاتینی و بمعنی میزان و ترازو است و بمعنای موازنه است. و اینکه بنده عرض کردم در شش ماه اولیه سال راپرت سالانه داده شود برای این است که از عملیات بانک اطلاع حاصل شود و این عبارتی که بنده در پیشنهاد عرض کرده ام که وضعیات فعلی و عملیات سالانه خودش را در آخر سال ارائه دهد این جمله همان بیلان را می رساند. مقصود این است که آخر هر سال فهمیده شود که بانک چه دارد و چه ندارد و عملیاتش چیست و وضعیات فعلیش از چه قرار است. این مراتب را باید در آخر هر سال بنویسد و اطلاع دهد و بعلاوه بنده بقیه ماده را هم حذف کردم برای اینکه يك تبصره بشود یا يك ماده الحاقیه. زیرا مقصود مفتش نیست.

يك نفر مفتش که بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه معین میشود مقصود نیست اگر مقصود مفتش است که در نظامنامه نوشته خواهد شد و اگر مقصود نماینده دولت است که او مفتش نیست پس باید ماده الحاقیه یا تبصره ای آن نوشت.

رئیس - آقای مخبر ؟

مخبر - توضیحات کافی در تمام این مسائل داده شده است دیگر بسته است برای مجلس

رئیس - رأی گرفته میشود بقبالی توجه بودن این

پیشنهاد. آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند
(عده قلابی قیام کردند)

رئیس - تصویب نشد. رأی گرفته میشود بماده هشت. باید تجزیه شود قسمت اول
(اینطور خوانده شد)

ماده ۸ - رئیس بانک هرشش ماه یک مرتبه خلاصه عملیات و وضعیات بانک را بوزارت مالیه راپورت میدهد و در فروردین ماه هر سال خلاصه حساب (بیلان) سال قبل را منتشر مینماید.

رئیس - رأی گرفته میشود باین قسمت آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند.

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. قسمت دوم

(اینطور خوانده شد)

بعلاوه بگنفر مفتش بر حسب پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب هیئت وزراء برای نظارت در جریان امور و معاملات بانک معین میشود.

رئیس - رأی گرفته میشود بقسمت دوم. آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند

(عده زیادی برخاستند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود به مجموع هر دو قسمت. آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند
(عده زیادی قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. رأی گرفته میشود بماده با تبصره آقایانیکه موافقت قیام فرمایند.

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. جلسه را ختم میکنیم. دستور جلسه آتی.

وزیر معارف - راجع بلایحه تعلیمات ابتدائی که ارجاع به کمیسیون شده بود کمیسیون رأی خودش را داده

و راپورتش را تقدیم مقام ریاست کرده است بنده تقاضا میکنم آقایان موافقت فرمایند که جزو دستور جلسه آتی شود
 عدّه از نمایندگان - بعد از بانك .
 وزیر معارف - بنده مخالف با بانك نیستم ولی این نکته را هم لازم است عرض کنم که سه ماده بود که بکمسیون ارجاع شده بود و تصور میکنم شور در آن وفق لازم نداشته باشد . بعلاوه هر قدر این کار عقب بیفتد متأسفانه وسائل مشکل میشود پس بهتر این است

که هر چه زودتر این لایحه تصویب شود .
 رئیس - دستور جلسه آتی اولاً راپرت شعبه نسبت بانتخابات سیرجان نائیباً لایحه تعلیمات عمومی ثالثاً لایحه بانك معاون وزارت فواید عامه - می خواستم عرض کنم لایحه اضافات بودجه ۱۳۰۵ وزارت فواید عامه هم اگر مجالی باشد در آخر جلسه آتی جزو دستور گذارده شود و ضمناً اگر آقایان سؤالانی دارند در این جلسه یا جلسه بعد حاضر برای جواب هستم .
 (مجلس چهل دقیقه بعد از ظهر ختم شد)